



## بررسی مولفه‌های کالبدی موثر بر تعاملات اجتماعی در مجتمع‌های مسکونی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۰/۱۹

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۱/۰۸

کد مقاله: ۱۸۰۱۸

مهدی میرزا گل تبار روشن<sup>۱</sup>، آروین توکلی نیا<sup>۲\*</sup>

### چکیده

امروزه انسان‌ها به دلایل مختلف ملزم به زندگی به صورت جمعی و در مجموعه‌های چندین خانواری هستند که نه تنها از مزایای زندگی جمعی برخوردار نیستند بلکه این امر را عاملی برای مزاحمت و خدشه دار شدن حس خلوت، حریم خصوصی و زندگی فردی خود می‌دانند. این موضوع باعث بروز مشکلات و نابسامانی‌هایی در زندگی ساکنین شده و در نتیجه روز به روز انسان‌ها را از هم دورتر و تنهاتر می‌سازد. در این میان بایستی بتوان تعادلی میان خلوت و تعامل اجتماعی انسان‌ها ایجاد کرد که این امر به وسیله مفاهیم کالبدی و همچنین مفاهیم فرهنگی اجتماعی که زمینه‌های روانی را ایجاد می‌کنند، میسر است. با توجه به اینکه در فرهنگ ایرانیان از دیرباز همسایگی رابطه‌ای بسیار صمیمی تلقی می‌شده و همسایگان خانواده‌ای بزرگ را تشکیل می‌دادند، پس اگر امروز در شهرهای ایران همسایه‌ها با هم بیگانه شده‌اند و فضای محله‌های مسکونی سرد و خشک است، به این دلیل است که در طراحی مجموعه‌های مسکونی، صمیمیت و زندگی اجتماعی جایگاهی ندارد. این پژوهش با روش تحقیق مبتنی بر مطالعات میدانی-کتابخانه‌ای به مولفه‌های کالبدی موثر در مجتمع مسکونی بر تعاملات اجتماعی پرداخته شده است.

واژگان کلیدی: مجتمع مسکونی، تعاملات اجتماعی، فضای باز، مولفه کالبدی، فضای جمعی.

۱- عضو هیئت علمی گروه مهندسی عمران، واحد ساری، دانشگاه آزاد اسلامی، ساری، ایران.

۲- دانشجوی دکتری معماری، واحد ساری، دانشگاه آزاد اسلامی، ساری، ایران. (نویسنده مسئول)

پیش بینی ها نشان می دهد که جمعیت شهر نشین در دنیا رو به افزایش است و در سال ۲۰۳۰ به حدود ۵ میلیارد نفر خواهد رسید یعنی حدود ۶۰ درصد کل جمعیت دنیا و در سال ۲۰۵۰ جمعیت شهرنشین دنیا به حدود ۴/۶ میلیارد نفر معادل ۷۰ درصد خواهد رسید (جهان بینی و همکاران، ۱۴۰۲). هر جامعه ای با توجه به تاریخ، فرهنگ، مسائل اقتصادی، سیاسی و اجتماعی خویش به ساخت نوعی از مسکن روی آورده است (حاجی آقابزرگ و همکاران، ۱۴۰۰). آپارتمان نشینی را می توان از مهمترین تحولات در فرآیند اسکان بشر در شهرها دانست به فرم غالب مسکن شهری در دوران معاصر تبدیل شده است. مسکن امروزی دو الگوی تک خانواری و آپارتمانی دارد. آپارتمان ها خود به دو گروه اصلی تقسیم می گردند که در آن، ساختمان های متعارف یا کوتاه مرتبه تا ۸ طبقه و بیش از آن بلند مرتبه یا برج نامیده می شوند (جهان بینی و همکاران، ۱۴۰۲).

امروزه بلند مرتبه سازی و افزایش ارتفاع بناهای دارای روند رو به رشدی در نقاط مختلف جهان به خصوص کشور های بهره مند از تکنولوژی های مدرن است. افزایش جمعیت، نیاز به اسکان بیشتر مردم، ضرورت استفاده بیشتر از زمین در مراکز پر تراکم و تقاضای مردم برای سکونت یا کار در شهرها، ساخت بناهای بلند مرتبه را به عنوان یک ضرورت در جهان مطرح کرده است.

توسعه امر شهر نشینی و کمبود زمین های بدون معارض در شهرها از یک طرف و ترویج فرهنگ استفاده از فضا در ساختمان سازی به شکل ساختمان های غربی از طرف دیگر موجب گردید که در شهرهای بزرگ ایران، مالکان به احداث ساختمان های چند طبقه روی آوردند با وجود اینکه در حال حاضر حدود چند دهه از ظهور بلند مرتبه سازی در ایران می گذرد هنوز هم به دلیل عدم تطابق آنها با فرهنگ جامعه، تاثیرات نامطلوبی بر روابط و الگوهای رفتاری اجتماع داشته است. به نظر می رسد که اغلب مشکلات و کاستی ها ناشی از عدم وجود مجموع ضوابط واضح و روشن در زمینه طراحی و برنامه ریزی ساختمان های بلند و به طور اخص نپرداختن به مسایل فرهنگی، ارتباطات اجتماعی و فضاهای عمومی است (راپاپورت، ۱۳۹۴). مسکن تنها سرپناه فیزیکی و یک خوابگاه نیست و باید مسائل روانی، فرهنگی و خانوادگی هم در آن منظور شود، امروزه مسکن به شکل عمودی درآمد ولی فرهنگ استفاده از آن افقی مانده است. فقدان پرداختن به زندگی اجتماعی و روی آوردن به انزوا به خاطر نبود فضاهای جمعی با کیفیت و مناسب و در خور نیاز کاربران مجتمع های مسکونی امکان به وجود آوردن مشکلات رفتاری و روحی در ساکنین را افزایش می دهد.

تعاملات اجتماعی رابطه ی متقابل اجتماعی برای پاسخ به نیازهای انسانی، پیوند جویی و احساس تعلق به مکان، یک ضرورت است. هر فرصتی برای دست یافتن به چنین منظوری مثبت ارزیابی شده است. دلیل دیگر این است که فعالیت هایی همچون تعامل با دیگران و مشاهده ی فعالیت های مردم، با به وجود آوردن زمینه های اجتماعی شدن و اجتماع پذیری به رشد فردی انسان کمک می کنند (زینالی عظیم و کرمی، ۱۴۰۲). بسیاری از افراد به چیزهایی که نمی توانند داشته باشند تمایل دارند و بنابراین به دلایل اقتصادی و یا سایر دلایل آنها باید محلی را که تمایل کمتری به آن دارند برگزینند. لذا خلق ساختمان بلند مرتبه ای که در جهت تقویت و احیای فرهنگ سکونت که از جمله آنها تعاملات اجتماعی می باشد، می تواند حس سکونت مناسب با فرهنگ ایرانی را به جنب و جوش در آورد. اهمیت توجه به تعاملات اجتماعی و فراهم نمودن موقعیت های ایجاد تعاملات اجتماعی را می توان با بیان این نکته روشن ساخت که انسان موجودی اجتماعی است و نیاز به حضور در مکان های اجتماعی دارد. انسان همواره به دنبال مشخصه های کیفیت زندگی و کاربرد آن مشخصه ها در زندگی خود است (شاطریان و کریمی، ۱۴۰۱). لذا با توجه به توضیحات ارائه شده پژوهش حاضر قصد دارد با شناخت تاثیرات مجتمع های مسکونی در فرهنگ سکونتی مردم و تلفیق آن با ضرورت های زندگی امروز به مولفه هایی برسد که علاوه بر حفظ ارزش های فرهنگی این شهر در مسکن پاسخگوی نیازهای زندگی امروز و همچنین نیاز به تعاملات اجتماعی باشد.

## ۲- روش تحقیق

باتوجه به آنکه پژوهش در پی مرور تحقیقات و مقایسه نتایج تحقیقات در زمینه عوامل موثر بر تعاملات اجتماعی در مجتمع های مسکونی است؛ نوع تحقیق از نوع کاربردی محسوب می گردد و در زمره مقالات مروری می باشد و از نظر رویکرد، توصیفی-تحلیلی می باشد. در این مطالعات برای جمع آوری اطلاعات از متدهای کتابخانه ای، میدانی و مصاحبه با طراحان و مشاوران پروژه های مشابه استفاده شده است. در این پژوهش سعی شده است مجموعه معلومات و مقولات اساسی، به شکلی تالیف شود که شناختی هدفمند، جامع و منسجم از کلیت موضوع حاصل شود. با مشاهده و بررسی پژوهش های پیشین در رابطه با مجتمع های مسکونی و بررسی و شناسایی مشکلات آن، سعی شده است تا با مراجعه به منابع معتبر مربوط کتابخانه ای، سایت ها، مقالات و مجلات منتشر شده به ریشه ی آنها دست یابیم.

جدول ۱: پیشینه پژوهش

نویسنده	سال	هدف تحقیق	نتیجه
زینالی عظیم، کریمی	۱۴۰۲	بررسی رابطه بین تعلق و دلبستگی به مکان های شهری، روابط همسایگی و مولفه های عملکردی زیست پذیری شهری پرداخته است.	با مقایسه اثر کل هر عامل روی تعلق و دلبستگی به محل اقامت، عامل دسترسی بیشترین تاثیر داشته است. به علاوه، ثابت شد که اثر غیرمستقیم روابط همسایگی بین ایمنی و تعلق و دلبستگی به محل اقامت بیشترین بوده است. این بدین معنی است که رضایتمندی بیشتر در روابط همسایگی بیشتر میتواند تاثیر ایمنی بر روی تعلق و دلبستگی به محل اقامت را افزایش دهد. همچنین مشخص شد که هر چقدر تعلق و دلبستگی از محیط شهری بیشتر باشد به همان اندازه نیز تاثیر مثبتی بر درک و رضایتمندی از مولفه های عملکردی زیست پذیری دارد.
شاطریان و کریمی	۱۴۰۱	شناخت تأثیر جایگاه عوامل کالبدی در تعاملات منطقه مورد مطالعه محلات بافت قدیمی کاشان	براساس نتایج به دست آمده در آزمون همبستگی پیرسون هیچ نوع همبستگی بین عوامل کالبدی و تعاملات اجتماعی وجود ندارد که علت آن را می توان در این امر دانست که محلات قدیمی شهر کاشان، فضاهای جمعی و عمومی با ساختار کالبدی مناسب نادیده گرفته شده است. نتایج حاصل از کاربرد معادلات ساختاری نیز بیانگر آن است که متغیر امنیت اجتماعی و آسایش به ترتیب دارای بیشترین بار عاملی ۵۲ درصد و ۴۵ درصد و نشان دهنده این است که با افزایش امنیت آسایش ساکنان نیز بیشتر است. بعبارت دیگر امنیت بر آسایش تأثیر گذار است.
جهان بینی، کاظمی،	۱۴۰۱	شناسایی نگرش ساکنین مجتمع های مسکونی در خصوص امکان تعاملات اجتماعی در ۴ مجتمع مسکونی شهر تبریز	محیط های اجتماع محور دارای ۴ مقوله هویت، آسایش، نیاز های اجتماعی و ساختاری - کالبدی می باشند که هر کدام از آنها به نوعی باهم در ارتباطند. نادیده گرفته شدن این چهار مقوله در ساخت و سازهای امروزی موجب نارضایتی ساکنان از کیفیت و کمیت تعاملات اجتماعی شده است.
حاجی آقابزرگ، چرمچیان، قبادیان	۱۴۰۰	بررسی تأثیر معیارهای کالبدی و رفتاری در فضاهای میانی مجتمع های مسکونی شهر تهران بر میزان دلبستگی ساکنان به مجتمع	مؤلفه های معیار کالبدی نظیر پوشش فضای سبز، تناسبات، توزیع، سلسله مراتب و معیار عملکردی با مؤلفه های گوناگونی و انطباق پذیری رفتاری در فضاهای میانی مجتمع های مسکونی، به ترتیب بیشترین تأثیرگذاری را بر میزان حس دلبستگی ساکنان ایفا می کنند.
قره خانی، دژدار، جلالیان	۱۳۹۸	رابطه ی میان فضاهای اجتماع پذیر و مجتمع های مسکونی که باعث افزایش کیفیت زندگی ساکنین می شود	نتایج پژوهش نشان م دهد که برای بهبود و ارتقای کیفیت زندگی و کمیت فضاهای شهری به خصوص مسکونی، نوع طراحی بر اساس اصول و معیارهای اجتماعی و فرهنگی از جمله همسایگی و اجتماع پذیری است.
مهرابیان و عبداللهی	۱۳۹۸	راهکارهای افزایش تعاملات اجتماعی در مجتمع های مسکونی	میان ویژگی های کالبدی فضاهای معماری نظیر مبلمان مناسب، آسایش اقلیمی، تعریف ورودی ها، تفکیک حریم عمومی و خصوصی از هم، امنیت، تعریف ادنوها و هویت جداره ها، خوانایی، بهره گیری از تمامی حواس، پیش بینی فعالیت های جاذب، اختلاط کاربری، فضاهای کانونی جهت تجمع و تعاملات اجتماعی این ساکنین در مجتمع های مسنونی رابطه معناداری وجود دارد.
یسامین فاضل عبدالرحمن	۲۰۲۳	این تحقیق بر اساس یک بررسی نمونه تصادفی از ساکنان مجتمع مسکونی	برجسته ترین شاخص های کیفیت اجتماعی مورد مطالعه در این پژوهش عبارتند از (تعامل اجتماعی، روابط اجتماعی، ایمنی و امنیت، صلح اجتماعی، اجماع اجتماعی (جامعه یا

جمال، مطلق	صالحیه شهر بغداد بر روی مجموعه شاخص‌های اجتماعی و همچنین مجموعه‌ای از شاخص‌های برنامه‌ریزی است		همسایگی)، فرصت‌ها برای جلسات اجتماعی، مشارکت مردمی، مشارکت جنسیتی و توانمندسازی. نتایج تحقیق حاکی از رضایت ساکنین از اکثر شاخص‌های اجتماعی بود که عموماً برای شاخص‌های برنامه‌ریزی پذیرفته شده بود که می‌توان آن را ابزاری مؤثر و مفید برای برنامه‌ریزان در آینده برای برنامه‌ریزی مجتمع‌های مسکونی و ارتقای کیفیت زندگی اجتماعی در آن‌جا به حساب آورد.
راشل آرمیتاژ، نوذری	۲۰۲۳	مطالعه تجربی برای شناسایی مولفه‌های تأثیرگذار قلمروی انسانی بر تعامل اجتماعی	تعامل اجتماعی را می‌توان از طریق فضای سبز، روشنایی، دسترسی و مبلمان در مناطق مشترک بهبود بخشید. یافته‌ها ثابت می‌کند که مجتمع‌های مسکونی با آرایش خوشه‌ای به دلیل نداشتن فضاها و قلمروهای تعریف‌شده برای مردم، عملکرد خوبی در ایجاد تعامل اجتماعی نداشته‌اند، اما مجموعه‌های چند هسته‌ای، مختلط و خطی که چندین فضای باز و نیمه باز را تعریف می‌کنند، بوده‌اند. در میزان تعامل اجتماعی ساکنین موفق تر است. این مطالعه یکی از اولین مطالعاتی است که مولفه‌های تأثیرگذار را با استفاده از ادغام ادراک ساکنان و پیکربندی فضایی شناسایی می‌کند.
ریچارد آدامز، هانیه مولانا	۲۰۱۹	چگونه ساختمان‌ها و محیط اطراف آن، طراحی شهری و محیط ساخته شده بر رفتار و تعاملات ساکنان آن تأثیر می‌گذارد	نتایج نشان داد که نوع طراحی فضاهای مختلف از فضاهای سبز خوش منظره، فضاهای بازی، فضاهای گیاهی ساخته شده و فضاهایی که مکان‌های مناسبی دارند، بر افزایش محیط‌های اجتماعی ساکنان می‌گذارند.

#### ۴- مبانی نظری پژوهش

##### ۴-۱- تعریف مسکن

اگرچه اشکال مختلفی از سکونتگاه وجود دارد، اما نکته مشترک در مورد همه آنها این است که آنها ساختارهای فیزیکی هستند. مسکن که مکانی فیزیکی و سرپناه است، جزء نیازهای اساسی خانوارهای امروزی بوده شامل کلیه خدمات و تسهیلات ضروری مورد نیاز برای بهزیستی خانوار و بهداشت افراد است (آلتمن، ۱۳۸۲). طبق تعریف دومین اجلاس اسکان بشر در سال ۱۹۹۶ مسکن سر پناهی مطلوب یعنی آسایش در فضا، امنیت و مالکیت، پایداری سازه ای، روشنایی، تهویه و سیستم گرمایشی و سرمایشی، زیرساخت های اولیه، کیفیت زیست محیطی، مکان و قابل دسترس از نظر کار و تسهیلات اولیه مناسب است. اگر چه شیوه جدید مسکن به بخش سخت افزاری مسئله مسکن سازی یعنی اقتصاد مسکن و شهر مربوط می شود اما بخشی که بیشتر درگیر حوزه فرهنگ زندگی شهری است به آداب، فرهنگ و قوانین این سبک جدید زندگی مربوط می شود. بدون تردید مسکن اهمیت بنیادی در ترقی انسان دارد (امامی، ۱۳۹۳). مفهوم مسکن علاوه بر مکان فیزیکی، کل محیط مسکونی را نیز در بر می گیرد؛ که شامل کلیه ی خدمات و تسهیلات ضروری مورد نیاز برای بهزیستن خانواده و طرح های اشتغال، آموزش و بهداشت افراد است. در واقع تعریف و مفهوم عام مسکن یک واحد مسکونی نیست، بلکه کل محیط مسکونی را شامل می شود (پوردیهیمی، ۱۳۹۰). اساساً کیفیت مسکن موجود وابسته به ویژگی های اجتماعی و فیزیکی منطقه ی پیرامونی است که مسکن در آن واقع گردیده است.

##### ۴-۱-۱- تعریف مسکن از دیدگاه چند تن از صاحب نظران

**تادائو آندو:** از میان فضاهای پیرامون، خانه بلافصل ترین فضای مرتبط با آدمی است. به طور روزمره از او تاثیر می گیرد و بر او تاثیر می گذارد. اولین فضایی است که آدمی احساس تعلق فضایی را در آن تجربه می کند. مجموعه حواس پنجگانه به طور دائم سرتاسر آن را طی می کند و در مدت کوتاهی بدان خو می گیرد. خانه تنها مکانی است که اولین تجربه های بی واسطه با فضا در انزوا و جمع در آن صورت می گیرد. خلوت با خود، همسر و فرزندان و دیگران، همه و همه بی تعرض غیر در آن ممکن می گردد (غفوریان و همکاران، ۱۳۹۶).

**چارلز مور:** خانه مرکز جهان است برای ساکنانش و برای محله اش شاخصترین بنا در تحکیم مکان (غفوریان و همکاران، ۱۳۹۶).

**لوکوربوزیه:** خانه پوششی است که در تطابق با برخی از شرایط رابطه محیطی را بین محیط خارج و پدیده های زیستی انسان برقرار می سازد. در خانه باید یک فرد یا یک خانواده زندگی کند. یعنی اینکه بخوابد، راه برد، دراز بکشد، ببیند و فکر کند(غفوریان و همکاران، ۱۳۹۶).

#### ۴-۲- مجتمع مسکونی

جمع تعدادی آپارتمان در یک بلوک شهری، که به شکل یکپارچه طراحی و ترکیب شده باشند، پدید می آید. مجتمع های مسکونی را می توان تعدادی بلوک ساختمانی شامل گونه های مختلف مسکن تک خانواری، آپارتمان های کوتاه و بلند مرتبه در نظر گرفت. در این مجتمع ها، بلوک های آپارتمانی در یک قطعه زمین و بر اساس طرحی از پیش اندیشیده شده ساخته می شوند. در ایران نیز همگام با روند رو به رشد شهرنشینی، سیاست تولید مسکن انبوه در قالب مجتمع های مسکونی به عنوان یکی از راه های پاسخ به نیاز مسکن به سرعت گسترش یافته است. نکته ای که در بررسی روند ایجاد مجتمع های مسکونی در ایران مشاهده می شود این است که به مرور زمان، همواره از توجه به اصول و معیارهای شهرسازی در برنامه ریزی و طراحی غالب مجتمع های مسکونی کاسته شده و اینگونه مساکن از ایجاد محیط مطلوب مسکونی فاصله گرفته اند. از این رو مجتمع های مسکونی که زمانی قرار بود با قرارگیری در میان فضاهای سبز و زیبا و کم تراکم، اجتماعات الگویی را ایجاد کنند، به تدریج به مجتمع های آپارتمانی با تراکم بسیار بالا تبدیل گردیدند. در حالیکه در ساخت مجتمع های مسکونی، رعایت اصول شهرسازی و ایجاد فضایی مناسب برای زندگی و تامین خدمات و تسهیلات برای ساکنین آنها می تواند فضاهای جدید را به محیط های مسکونی مطلوب تبدیل کند(قره خانی و همکاران، ۱۳۹۸).

#### ۴-۳- اجتماع پذیری در فضا؛ تعاملات اجتماعی

جان لنگ از جمله پژوهشگرانی است که کانون اصلی پژوهش هایش بررسی نقش علوم رفتاری در طراحی محیط است. او در اثر خود با عنوان آفرینش نظریه معماری به چگونگی دریافت آدمی از فضا و عوامل محیطی تاثیرگذار بر این امر پرداخته و تصورات مردم از محیط را در واقع نوعی طرحواره ذهنی می داند که به رفتارها و فعالیت ها در عرصه های مختلف شکل می بخشد. لنگ بر این مورد اشاره دارد که در نظریه های هنجاری طراحی محیط اظهارنظرهای زیادی راجع به چگونگی تاثیر طراحی بر تعاملات اجتماعی مردم شده است. با توجه به ابعاد مختلفی که در زمینه تعاملات اجتماعی مطرح شده، طراحان باید با استفاده از راهکارهای مختلف، در جهت افزایش فرصت های تعامل و ارتباط در ساختمان ها تلاش کنند. در عین حال که در طراحی ها به خلوت و کنترل قلمرو مکانی نیز توجه می نمایند(محمودی و منصورپور، ۱۳۹۶).

امروزه ابعاد انسانی فضاهای عمومی بیش از هر زمان دیگری مورد توجه برنامه ریزان و طراحان شهری قرار گرفته و مردم نیز مشتاقانه به حضور و مشارکت در چنین فضاهایی پاسخ مثبت داده اند. از طرفی، بروز تعاملات اجتماعی یا فعالیت های جمعی که موضوع مورد بحث در این پژوهش است، وابسته به حضور افراد در فضای عمومی است که مطابق تقیسم بندی سه گانه فعالیت های بیرونی یا ن گل(فعالیت های ضروری، فعالیت های انتخابی، فعالیت های اجتماعی)، حضور افراد در این فضاها، یک امر انتخابی و اختیاری محسوب می شود و بخشی از آن وابسته به کیفیت محیط مصنوع است. اما آنچه این فضاها را به لحاظ اجتماعی فعال می سازد، در درجه اول عوامل کالبدی است که بتواند زمینه ساز ورود و سپس توقف افراد درون فضا باشد که در این باره می توان به عواملی چون: دسترسی ها، جاذبه ی بصری عوامل طبیعی و بسیاری عوامل دیگر از این دست اشاره نمود. امروزه نقش و اهمیت محیط در شکلگیری و بروز رفتارهای انسانی نیاز به اثبات ندارد(مرصوصی و همکاران، ۱۳۹۴). برای استفاده بهتر از سرمایه ها و منابع محدود، بایستی به همه جوانب و ابعاد طراحی محیط از جمله نیازها و شرایط استفاده کنندگان از آن توجه کرد.



شکل ۱: فرآیند امکان تعامل در فضا (مرصوصی و همکاران، ۱۳۹۴).

#### ۴-۴- مفهوم اجتماع پذیری

استفاده از واژه های اجتماع پذیر یا اجتماع دوست و گردهم آورنده و اجتماع گریز یا پراکنده کننده، بیانگر کیفیات فضایی در معماری است که مردم را دور هم جمع می آورند یا از هم دور می کنند(غفوریان و همکاران، ۱۳۹۶). این واژه ها را برای نخستین بار

همفبری اسموند با همراهی رابرت سامر، زمانی که مدیریت بیمارستانی در کانادا را بر عهده داشت تعریف کردند. با در نظر گرفتن دو نوع محیط اجتماع پذیر و محیط اجتماع گریز می توان گفت محیط های اجتماع پذیر موجب تشویق و ترغیب رفتارهای اجتماعی و جمعی می گردند و محیط های اجتماع گریز تحولات اجتماعی را کم می نمایند. وجود فضاهایی با قابلیت اجتماع پذیری، مکمل مهمی در جهت اجتماعی شدن افراد است (شاطریان و کریمی، ۱۴۰۱). فرآیند اجتماع پذیری، با برقراری تعامل و ارتباط اجتماعی بین بهره برداران هر فضای عمومی و مشترک معماری قابل حصول است و قابلیت شرکت مؤثر در تعامل با دیگران، چه در زندگی خصوصی و چه در زندگی عمومی و حرفه ای انسان ها، از اهمیت حیاتی برخوردار است.

#### ۴-۵- تعامل اجتماعی

از نظر لغوی تعاملات اجتماعی از دو بخش کلی تعاملات و اجتماعی تشکیل شده است. تعاملات از منظر فرهنگستان واژه های مصوب تعامل ارتباط متقابل میان دو یا چند فرد یا گروه یا سامانه تعریف شده است. اجتماعی در فرهنگ فارسی معین به معنای منسوب به اجتماع، همگانی، عمومی، کسی که آداب معاشرت را می داند، تعریف شده است. فرهنگ فارسی عمید نیز معانی مربوط به اجتماع؛ عامیانه خوش برخورد، آداب دان، آدم اجتماعی را برای این واژه تعریف کرده است (مطلبی و همکاران، ۱۳۹۷). تعامل اجتماعی به معنای ایجاد رابطه بین دو نفر یا بیشتر است که منجر به واکنشی میان آنها شود و این نوع واکنش برای هر دو طرف شناخته شده است. رابطه ی متقابل اجتماعی برای پاسخ به نیازهای انسانی، پیوند جویی و احساس تعلق به مکان، یک ضرورت است. کنش متقابل روزمره به روابط و مناسبات ظریف میان آنچه در قالب کلمات بیان می کنیم و آنچه از طریق صور پر شمار ارتباط غیر کلامی به دیگران انتقال می دهیم، بستگی دارد. بنابراین به طور کلی انواع مختلف کنش های متقابل اجتماعی را می توان به دو دسته ارتباطات کلامی و ارتباطات غیر کلامی (با زبان بدن) تقسیم نمود (مطلبی و همکاران، ۱۳۹۷). گافمن در دسته بندی متفاوت دیگری دو نوع کنش اجتماعی را شناسایی می نماید. معیارهای دسته بندی وی سطح توجه افراد دخیل در کنش اجتماعی به رفتار و حالت یکدیگر است. دسته نخست، کنش متقابل غیر کانونی زمانی رخ میدهد که افراد، اطلاع از حضور یکدیگر را به نمایش می گذارند. در این حالت مردم پیوسته در حال برقراری ارتباطات غیر کلامی از طریق اداها و حالت چهره شان هستند. اما کنش متقابل کانونی هنگامی رخ می دهد که افراد مستقیماً به آنچه دیگران می گویند یا انجام می دهند، توجه داشته باشند. گافمن هر نوع کنش متقابل کانونی را یک مرآده می داند که حاکی از کنار گذاشتن بی اعتنایی مدنی است و بخش بزرگی از زندگی روزانه ما را تشکیل می دهند (گیدنز، ۱۳۷۸).

نکته بسیار مهم و اساسی در کنش های متقابل اجتماعی، وضعیت مند بودن آنهاست. کنش ها در مکانی خاصی رخ می دهند و مدت زمان مشخصی دارند. بنابراین واجد نوعی همسویی زمان - مکان هستند. مفهوم منطقه ای شدن به ما کمک می کند که بدانیم زندگی اجتماعی چگونه ناحیه بندی زمانی - مکانی می شود. تعامل تجربه های اجتماعی و ویژگی های قرارگاه های رفتاری، موضوع مهمی در بحث تعامل اجتماعی است. به طور کلی همجواری، تجانس، تراکم، موقعیت و هدف، عوامل اولیه و اصلی در ایجاد تعامل میان افراد هستند (غفوریان و همکاران، ۱۳۹۶). از عوامل محیطی مؤثر بر تعامل اجتماعی، تعداد افراد موجود برای تماس در یک محدوده فضایی است. مجاورت فضایی از مهمترین تعیین کننده های روابط آنی افراد است، ولی حضور عده ای زیاد در فضایی بسیار کوچک می تواند منجر به ادراک روانشناختی ازدحام شود (زینالی عظیم و کرمی، ۱۴۰۲).

تعاملات اجتماعی رابطه ی متقابل اجتماعی برای پاسخ به نیازهای انسانی، پیوند جویی و احساس تعلق به مکان، یک ضرورت است. تعامل اجتماعی، نگرش افراد با پیشینه های ذهنی و ویژگی های متفاوت را به یکدیگر نزدیک می کند (پوردیهی، ۱۳۹۰). افراد مختلف به سطوح مختلفی از تعامل اجتماعی تمایل دارند. تعریف سطح مطلوب تعامل، به طور ذهنی از گفته های مردم و به طور عینی از موضع گیری هنجاری نسبت به زندگی خوب به دست می آید. هر دو از تعریفی دارای ارزش بالا برخوردارند و دارای جهت گیری اجتماعی و سیاسی هستند. تعامل اجتماعی و برقراری ارتباط، می تواند یک موضوع فیزیکی، یک نگاه، یک مکالمه و ارتباط بین افراد باشد که خود مستلزم تعریف رویدادها و فعالیت های متناسب و در نتیجه نقش پذیری مردم در فضا و عضویت آنها در گروه ها و شبکه های اجتماعی است. به عقیده کریستوفر الکساندر برای توضیح علت مطلوب بودن تعاملات اجتماعی دلایل زیادی وجود دارد، اصلی ترین دلیل این است که رابطه ی متقابل اجتماعی برای پاسخ به نیازهای انسانی به پیوند جویی و احساس تعلق به مکان، یک ضرورت است. هر فرصتی برای دست یافتن به چنین منظوری مثبت ارزیابی شده است. دلیل دیگر این است که فعالیت هایی همچون تعامل با دیگران و مشاهده ی فعالیت های مردم، با به وجود آوردن زمینه های اجتماعی شدن و اجتماع پذیری به رشد فردی انسان کمک می کنند (لوفور و همکاران، ۱۳۹۱).

فقدان پرداختن به زندگی اجتماعی و روی آوردن به انزوا به خاطر نبود فضاهای جمعی با کیفیت و مناسب و در خور نیاز کاربران مجتمع ها و برج های مسکونی امکان به وجود آوردن مشکلات رفتاری و روحی در ساکنین را افزایش می دهد. به عقیده

چین جیکیز در محیط های محلی که تعامل اجتماعی قابل توجهی وجود دارد، میزان جرم و جنایت پایین است. شاید به این دلیل که وظایف و التزامات اجتماعی روشنتر، حمایت مردم از یکدیگر بیشتر و از خود بیگانگی کمتر است (لنگ، ۱۳۸۳).

وجود فضاهای دنج و خصوصی برای ملاقات ها و صحبت های چهره به چهره افراد با یکدیگر با توجه به شرایط سنی، جنسی و اجتماعی و ایجاد فضاهایی برای ارائه مهارت های فردی و گروهی می توانند به عنوان قرارگاه های رفتاری موثر در ایجاد ارتباطات اجتماعی باشند.

تعامل اجتماعی به عنوان فرصت اجتماعیای تعریف شده است که به دو صورت رسمی (فعالی یا برنامه ریزی شده) یا غیررسمی (اتفاقی یا برنامه ریزی نشده) می تواند کیفیت روابط دو یا چندتن از ساکنین را تحت تاثیر قرار دهد و مشکل از: الف: همسایگی، تعاملات با همسایگان که در کنار هم وجود دارند یا در یک بلوک زندگی می کنند. ب: رویارویی اجتماعی اتفاقی؛ ارتباط اجتماعی غیر رسمی بین ساکنینی که یکدیگر را نمی شناسند و در همسایه ی یکدیگر نیز نیستند.

ج: مشارکت اجتماعی تعاملات در رابطه با مسائل مربوط به جامعه.

د: حمایت اجتماعی شبکه های دوستی و رشد گروه های کوچک که میتوانند به پرورش احساس توجه به یکدیگر کمک نمایند بواسطه ی چنین تعاملاتی، ساکنین با یکدیگر آشنا شده و حس تعلق به جامعه ی بیشتری بدست می آورند.

#### ۴-۵-۱- نظریات صاحب نظران معماری و شهرسازی در رابطه با تعاملات اجتماعی

نظریه های مختلفی که در طول سال های گذشته از سوی نظریه پردازان مختلف ارائه شده است به صورت خلاصه در زیر ذکر خواهد شد:

- گل (۲۰۰۳) به ابعاد انسانی فضاهای عمومی توجه کرده و آن را عامل حضور مشتاقانه مردم و مشارکت آنان می داند. گل (۱۹۸۷) با توجه به پژوهشی که در میدان ها و محلات کپنهاگ انجام داده بود به این جمع بندی رسید که طراحی مطلوب و ایجاد فرصت مناسب برای حرکت پیاده می تواند در افزایش تعاملات اجتماعی مؤثر باشد.

- کاپلان (۱۹۹۸) کیفیات کالبدی یک فضای عمومی را مدیون وجود عناصر طبیعی دانسته که منجر به افزایش هیجان و سرزندگی محیط، امکان استراحت، تجارب خوشایند و سلامت بیشتر برای مردم می شود.

- لفور (۱۹۹۱) مفهوم فضایی شدن اجتماعی را ارائه می دهد و آن را فضای حاوی خاطره جمعی، نماد دوره تاریخی معین و محل رویارویی جریان روابط عام و خاص اجتماعی تعریف می کند.

جدول ۲: نظریه های تعاملات اجتماعی (مطلبی و همکاران، ۱۳۹۷).

نظریه پرداز	نظریه
پی پی اس، ۲۰۱۰	مکان اجتماعی جایی است که به افراد اجازه ی ملاقات با دوستان و آشنایی و فعالیت های گروهی را می دهد.
آلتمن، ۲۰۰۳	میزان تعامل اجتماعی افراد در موقعیت های مختلف و حتی در زمان های مختلف روز متفاوت است.
هابرماس، ۲۰۰۲	فضای عمومی، فضایی اجتماعی و عرصه ای است که در آن مسائل مرتبط به بحث گذاشته می شود.
ابوگزه، ۱۹۹۹	طراحی مجتمع های مسکونی برای اقشار مختلف بر ارتباط های انسانی موثر است. بیشتر افراد به دلیل فاصله ی نزدیک به هم در این فضاها تمایل بیشتری برای برقراری ارتباط دارند

#### ۴-۶- تعاملات اجتماعی به عنوان یکی از شاخص های فرهنگی - اجتماعی تأثیرگذار بر مسکن

یکی از مباحث مهم در دانش روانشناسی محیط طراحی فضای سکونت مبتنی بر فرهنگ هر جامعه در تأمین آسایش افراد است. راپاپورت معتقد است ساختن یک مسکن پدیده ای فرهنگی است که عمیق متأثر از محیط فرهنگی است که مسکن به آن تعلق دارد و هدف مسکن را ایجاد یک واحد اجتماعی فضا می داند. ادوارد هال نیز روابط و تعامل بین افراد را در شکلگیری مسکن بسیار مؤثر می داند و در کتاب خود بانام بعد پنهان به این نکته اشاره می کند که: فرانسوی ها به دلیل اینکه برخورد حسی بسیار زیادی با هم دارند معمولاً در خانه های با ازدحام زیاد زندگی م یکنند. در فرهنگ عرب حدمرز ب هعنوان مانع و سد برای آن ها غیرقابل تحمل است. به عبارتی هیچ حدمرزی وجود ندارد و علاوه بر این افراد دارای ارتباط عمیق با یکدیگر می باشند. بر این اساس اعراب دارای خانه های بزرگ می باشند. و از جدا کردن فضاهای خانه نیز به شدت اجتناب می ورزند. آلمانی ها به دلیل اهمیتی که به فضای خصوصی می دهند معمولاً در ساختمان های خصوصی و عمومی از درهای دوجداره به منظور عایق سازی از صدا است؛ زیرا درب در فرهنگ آلمانی بسیار جدی گرفته می شود (مهراپیان و عبداللهی، ۱۳۹۸).

ساندرز معتقد است خانه مکانی است که انسان بیشترین ساعات خود را در آن م یگذراند و تعاملات مرسوم زندگی و تعاملات اجتماعی در آن صورت می گیرد. نمود این موضوع در معماری سنتی ایران نیز کاملاً مشهود است. توجه به تعاملات اجتماعی با

افراد در عین احترام به قلمرو و فضای شخصی از طریق طراحی فضاهای هماهنگ و در عین حال متباین یکی از اصول معماری و شهرسازی ایرانی بوده که همواره در سه سطح قابل بررسی است:

۱. جامعه- فضای تعامل در مقیاس شهر (کلان فضا) که از این دست فضاها می توان به میدان نقش جهان اشاره کرد که با کاربری های متنوع تفریحی-تجاری-عبادی نمونه ای از فضای تعامل است.
۲. جمعیت- فضای تعامل در مقیاس محله (میان فضا) مانند واشدگاه، ساباط و کوچه که هویت محله را شکل می دادند.
۳. جمع- فضای تعامل در مقیاس خانه (خرد فضا) مانند حیاط مرکزی که محلی جهت تجمع اهالی خانه به شمار می آمد که با حذف و کم رنگ شدن این فضاها از برج های مسکونی شاهد کم رنگ شدن روابط اجتماعی میان ساکنین هستیم. نقش تعاملات اجتماعی در برج های مسکونی از دیدگاه اندیشمندان با توجه به آنچه گفته شد کم شدن تعاملات اجتماعی در برج های مسکونی موجب متحول شدن مفهوم سکونت و به التبع آن پیدایش معضلاتی شده است که این معضلات از دیدگاه سه اندیشمند مورد بررسی قرار گرفته است (جدول ۳).

جدول ۳: تحلیل جنبه های اجتماعی و فرهنگی در ساختمان های بلندمرتبه مسکونی

تحلیل جنبه های اجتماعی و فرهنگی در ساختمان های بلندمرتبه مسکونی		نتیجه
<p>ارتباطات کم با همسایگان</p> <p>مشکلات رایج در مجتمع های مسکونی (شوتوتور، ۱۳۸۰)</p> <p>گوشه گیری و انزوا</p>	<p>داخلی: دوری از همسایگان</p> <p>خارجی: دوری از بافت اطراف</p> <p>محدود شدن کودکان از فعالیت های طبیعی</p> <p>ایجاد مشکلات فرهنگی</p> <p>ناهنجاری به سبب تماشای زیاد تلویزیون</p>	<p>تضعیف شدن روابط اجتماعی</p> <p>سرروز مشکلات فرهنگی</p>
<p>مشکلات کالبدی</p> <p>کم شدن رابطه انسان با محیط</p> <p>تأمین نشدن خلوت افراد خصوصاً صا شنیداری</p> <p>عدم رعایت سلسله مراتب</p> <p>کاهش تعاملات اجتماعی</p>	<p>تارسایی های اجتماعی</p> <p>لنگ<sup>۹</sup> معتقد است که میزان رضایتمندی از مجتمع های مسکونی خصوصاً مجتمع های عملکردی (خردگرا یا نه) به صورت نسبی هست. به عنوان مثال نمونه این ساختمان ها در سنگاپور، کره و چین کاملاً موفقیت آمیز بوده در جاهایی به عنوان محیط شاد زندگی با شکست مواجه شده و در کشورهای انگولاساکسون مخلوط بوده (لنگ، ۱۳۹۱).</p> <p>در اغلب موارد در ساختمان های بلندمرتبه مسکونی، فضای واسطه ای بین فضای عمومی (راهرو) و فضای خصوصی (واحد مسکونی) وجود ندارد.</p>	<p>جان لنگ</p> <p>تأمین نکردن محیطی مناسب برای زندگی - ساکنان</p> <p>افزایش تماس های منفی</p> <p>سردی روابط ساکنین</p>
<p>مشکلات رایج در مجتمع های مسکونی (زایاپورت، ۱۳۹۱)</p> <p>فقدان مشترکات فرهنگی و حفاظ های غیر کالبدی مورد قبول</p> <p>کمبود فضاهای قابل دسترس</p>	<p>همگون نبودن ساکنان و شیوه زیست افراد خصوصاً در مناطق ارزان قیمت</p> <p>افزایش بیش از حد تعاملات</p> <p>فقدان کنترل کننده های تعاملات اجتماعی</p> <p>عدم تجانس اجتماعی</p>	<p>آموس زایاپورت</p> <p>سوار اضافی اجتماعی</p> <p>فقدان انتخاب و آزادی</p> <p>عملکرد نامناسب</p> <p>عدم تطابق نمادها و نشانه ها</p> <p>افزایش غیر قابل پیش بینی بودن</p> <p>کاهش فراوانی و تراکم بالای اطلاعات در نیازهای عملیاتی</p> <p>عدم سهیم بودن در قواعد</p>



## ۴-۷- عوامل افزایش دهنده تعاملات اجتماعی در طراحی محیط

در بلوک های مسکونی متقابل که خانه ها در طول خیابان با ورودی های مجزا قرار می گیرند بین ساکنین روابط اجتماعی قابل توجهی شکل می گیرد. در اینگونه مناطق خیابان تبدیل به فضای نمیه عمومی می شود. اگرچه هر کس حق ورود به آن را دارد ولی در کنترل ساکنین است. وقتی که مراقبت طبیعی از طریق پنجره های مشرف به خیابان تأمین می گردد و قابلیت انجام فعالیتهایی چون توقف اتومبیل در جلوی خانه، حرکت پیاده رو در مسیرهای کوتاه، ملاقات در تقاطع مسیرها و تعامل اجتماعی میان ساکنین بلوک مسکونی وجود داشته باشد محیط زندگی دوست داشتنی می شود. تعداد خانه ها، عرض و طول خیابان و میزان ترافیک عبوری و چگونگی قرار گرفتن خانه ها در جوار خیابان از عوامل مهم در این زمینه به شمار می روند. هر چه ترافیک سنگین تر باشد زمینه های تعامل بویژه در دو سوی خیابان تقلیل می یابد. در صورتی که در یک منطقه مسکونی در بین ساکنین هماهنگی و همگونی شخصیتی وجود نداشته باشد و این مسأله با مواردی چون کم شدن یا عدم وجود خلوت کافی برای خانواده همراه گردد، مجاورت مکانی نه تنها به روابط ساکنین کمک نمی کند بلکه موجب تماس های منفی نیز می گردد. ولی اگر اینگونه در نظر بگیریم که افراد محله از نظر شغلی و شخصیت اجتماعی در یک ردیف هستند که دارای فرهنگ کم و بیش یکسانی هستند این گونه تماس ها بسیار کم و یا اصلاً نخواهد بود. وجود یک مسأله مشترک می تواند حتی در محی طهای ناآشنا که مجاورت مکانی نیز وجود ندارد مورد توجه قرار گیرد. دانستن یک زبان مشترک می تواند بهانه مناسبی برای برقراری ارتباط در محیطی ناآشنا باشد. احساس هم شهری بودن، هم محله ای بودن، هم کوچه و یا همکار بودن نیز در تقویت این امر موثر هستند. همه گروه های سنی از کودکان گرفته تا سالمندان به راحتی قادر به حضور در سطح محله و در نتیجه در این فعالیتها و رفتارها هستند. آشنایی ساکنین با یکدیگر بر نوع این فعالیتهای آنها و رفتارها تأثیر می گذارد. این مسأله علاوه بر ایجاد نوعی نظارت اجتماعی امکان بروز رفتارهای خصوصی تر را فراهم می آورد. زندگی در تمام ساعات شبانه روز، تمامی روزهای هفته و همه ایام سال در یک محله مسکونی جاری است (مطلبی و همکاران، ۱۳۹۷).

مطالعه هیلبر و هانسن، رابطه میان فضای کالبدی و تعامل جمعی را نشان می دهد. بر اساس این مطالعه در محیط انسان ساخت از یک طرف، الگوهای جمعی در محیط از نظام های فضایی برخوردارند و از طرف دیگر، محتوای فضایی محیط، الگوهای جمعی دارد. موقعیت های اجتماعی با شرایط محیطی قضاوت می شوند. اندازه، موقعیت، مبلمان، پوشش و سایر مشخصات، همه ی این ها در تعامل هویت و موقعیت، متنی را شکل می دهد، موقعیت را تعریف می کند، سوژه موقعیت و متن را می خواند و در رابطه با آن عمل می کند. بر اساس این، اجتماع پذیری از مهم ترین عوامل مطلوبیت سنجی فضاهای عمومی به حساب می آید و بر این نکته تصریح دارد که یک محیط مطلوب به طور یقین در استفاده و کاربری اجتماعی قرار می گیرد. در بحث فضاهای اجتماعی و عرصه تعامل ارتباطات جمعی باید بر این نکته توجه شود که تنها فضایی عرصه تعاملات اجتماعی قرار می گیرد که مطلوب و خواسته اجتماع باشد و تنها طراحی هرگونه فضایی بدون توجه به شیوه خواست اجتماعی یا نوع رفتارهای جمعی در محیط باعث حتمی بودن و قطعیت در کاربری صرف و بهینه از فضاهای شهری نمی شود (هال، ۱۳۹۲).

مولسکی و لنگ معتقدند مکان فیزیکی در حالت مطلوب به سه صورت از رفتارها و رویدادهای رفتاری در فضا پشتیبانی می کند. نخست، مکان فیزیکی عناصر فیزیکی و مشخصه های لازم برای تداوم و پایایی آسایش افراد در محیط را فراهم می آورد. برای مثال نور، ویژگی مهمی در محیط فیزیکی است که مکان فیزیکی و چگونگی آن را مشخص می کند. دوم، محیط فیزیکی فراهم کننده امکانات و سازمان دهی فضایی است که نظام ها و الگوهای ویژه فعالیت در فضا را قوام می بخشد و فعالیت های دیگر را کم رنگ می کند. به عبارت دیگر، محیط فیزیکی شکل گیری روابط جمعی را تسهیل می کند و سطح مطلوبی از خلوت را در فضای فعالیت فراهم می آورد. متغیرهای عملیاتی در این سطح شامل ابعاد، هندسه فضا و روابط و ارتباطات فضایی در فضاهای فعالیت است. در نهایت، محیط انسان ساخت، به وجودآورنده و تضمین کننده احساسات، تجربه ها و ادراک نمادین و زیبایی شناسانه است که مانند کیفیت هایی در محیط، ادراک کاربران را در تأثیر قرار می دهد. این سه سطح، همواره به صورت تعاملی و متغیر، رابطه بین تعامل اجتماعی و نظام های رفتاری را در فضا کنترل می کنند (یزدانی و تیموری، ۱۳۹۲).

جدول ۴: مولفه‌ها و شاخص‌های موثر بر تعاملات اجتماعی در مجتمع‌های مسکونی

شاخص	مولفه	
چیدمان مناسب مبلمان در جهت تقویت روابط دو سویه	مبلمان مناسب	عوامل کالبدی
وجود مبلمان با قابلیت جابه جایی و تغییر وضعیت		
امکان رویت مبلمان در محیط		
توجه به اقلیم محلی که مبلمان در آن قرار دارد		
ایجاد فضای مکث در محل فرارگیری مبلمان		
استفاده از عناصر طبیعی مثل فضای سبز، باد، نور خورشید	آسایش اقلیمی	
توجه به آستانه های ورودی	تعریف ورودی	
پرهیز از عقب نشینی	تعریف بدنه ها و جداره ها	
توجه به نورپردازی (خلق سایه-روشن)		
نماسازی زیبا و جاذب		
کف سازی مناسب		
ایجاد حس آشنایی با محیط	خوانایی	عوامل معنایی
ایجاد تجربه های به یادماندنی		
توجه به محصوریت مناسب		
برانگیختن حس کنجکاوی		
فضاهای انتظار (لابی)	فضاهای اجتماع پذیر	
بهره گیری از فضاهای چندمنظوره		
ایجاد فعالیت های گردهمایی		

## ۵- نتیجه‌گیری

از آنجا که امروزه زندگی در مجتمع‌های مسکونی برای بسیاری از افراد اجتناب‌ناپذیر است، یافتن گزینه‌هایی که به کیفیت زندگی در این محیط‌ها می‌افزاید، لازم و ضروری است. در این خصوص، ایجاد و افزایش تعامل اجتماعی ساکنان بر افزایش کیفیت زندگی مؤثر است و زندگی را برای ساکنان لذت بخش تر خواهد کرد. شرایط ایجاد تعامل در محیط، میزان آن را ارتقا می‌بخشد؛ به این معنی که شرایط محیطی و اجتماعی حاکم بر مجتمع باید فضایی را در اختیار فرد قرار دهد که او به راحتی با افراد ارتباط برقرار کند. همانگونه که انسان بر اساس باورها و سنت و جهان بینی و فرهنگ خویش محیطی را می‌سازد که بتواند ضمن آن که آئینه اصول و ارزش‌های بوده و او را جهت وصول به آن یاری نماید، در دهه‌های اخیر به شیوه‌های گوناگون این موضوع مورد بررسی و تایید قرار گرفته که محیط تأثیری جدی بر رفتار و روان و در نتیجه تغییرات فرهنگی انسان دارند. به طور کلی می‌توان گفت همانگونه که زیبایی و تناسبات و تعادل و توازن محیط در آرامش و احساس امنیت و فقدان فشارهای عصبی بر انسان ایفای نقش می‌نماید، انواع زشتی‌ها، آلودگی‌های صوتی، فقدان تعادل‌ها در شکل و رنگ و اندازه دوری از طبیعت تحت سلطه‌ی ساخته‌ی خویش زندگی در محیط‌هایی که پاسخ‌گوی نیازهای انسان نیستند و بسیاری از این قبیل مسائل محیطی، تأثیر جدی بر روان انسان بر رفتارهای فردی و اجتماعی بر دگرگونی ارزش‌های فرهنگی بر شیوه زیست بر روابط اجتماعی و ... و در یک کلام بر فرهنگ او بر جای خواهند گذاشت. توجه به فضاهای باز در مجموعه‌های مسکونی و اعمال راهکارهایی در جهت افزایش تعاملات می‌تواند سبب پویایی این فضاها شود. این مسئله در کنار ایجاد خلوتی که در درون واحدها فراهم آمده است، منجر به برقراری تعامل اجتماعی می‌شود. ارائه راه حل‌های انعطاف‌پذیر، به گونه‌ای که امکان استفاده چندعملکردی از فضا در یک زمان و یا امکان بهره‌برداری‌های متفاوت از فضا در طول زمان ایجاد شود، می‌تواند به عنوان عاملی در جهت افزایش کیفیت فضاهای جمعی در مجموعه‌های مسکونی منجر به افزایش تعاملات اجتماعی و در نتیجه افزایش پایداری اجتماعی در آن‌ها شود. باتوجه به موضوعات بررسی شده در این پژوهش، پژوهشگر شرط اول برای برقراری تعاملات میان ساکنان در مجتمع‌های مسکونی را وجود فضای کافی و متناسب با تعداد همسایگان می‌داند. این فضا خود شامل ریز فضاهایی می‌باشد که هر کدام از آنها بخشی از نیازهای ارتباط جمعی را برآورده می‌کند و در موقعیت‌های متفاوت و ترازهای مختلف ارتفاعی در ساختمان‌های بلند مرتبه قرار می‌گیرد. این فضا می‌بایست تأمین‌کننده نیازهای مختلف گروه‌های اجتماعی از همسایگان و تجمع‌های همسایگی، حضور‌پذیری کلیه همسایه‌ها در رده‌های مختلف سنی با امکان تأمین نیازهای مربوط به فضاهای عمومی و گذراندن اوقات در این فضاها، تأمین‌کننده انواع فعالیت‌ها و به وجود آورنده رویدادهای خاص جهت تشویق حضور کلیه همسایه‌ها باشد. در بخش فضاهای

داخلی و سلسله مراتب دسترسی از بخش های عمومی به خصوصی نیز می بایست تدابیری اندیشیده شود که حریمت و حریم خصوصی هر خانه و خانواده از دید و کنترل سایرین محفوظ گردد.

جدول ۵: بررسی عوامل تاثیرگذار بر افزایش تعاملات در مرحله طراحی

شاخص	مؤلفه	
طراحی فضای بازی و ورزشی	ایجاد فضایی برای تعامل	سایت پلان
در نظر گرفتن فضای سبز		
استفاده از حیاط مرکزی		
فضایی برای فعالیت های جمعی مانند جلسات و ...		
در نظر گرفتن فضاهای مکث در محوطه		
طراحی فضاهای خاص جهت گردهمایی ساکنان یک بلوک	طراحی فضاهای عمومی و نیمه خصوصی	پلان
پررنگ شدن نقش حیاط و بام		

## منابع

۱. آلتمن، ابروین، (۱۳۸۲)، «محیط و رفتار اجتماعی»، ترجمه نمازی، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، تهران، چاپ دوم.
۲. امامی، علی، (۱۳۹۳)، «تأثیر محیط کالبدی بر تعاملات میان همسایگان»، پایان نامه دکتری، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی، تهران.
۳. پوردیهمی، شهرام، (۱۳۹۰)، فرهنگ و مسکن. مسکن و محیط روستا ۱-۳۴.
۴. جهان بینی، علی، کاظمی شیشوان، مهرش، خوشنویس، احمد میرزا کوچک، عبدالله زاده طرف، اکبر، (۱۴۰۲)، «نگرش ساکنین مجتمع های مسکونی در خصوص امکان تعاملات اجتماعی در مجتمع های مسکونی شهر تبریز (مطالعه موردی: مجتمع های مسکونی گل نرگس، برج زمرد، شهید چمران، فجر ائل گلی تبریز)». فصلنامه علمی پژوهش های بوم شناسی شهری.
۵. حاجی آقابرگ، آمنه، چرخچیان، مریم، و قبادیان، وحید، (۱۴۰۰)، «قرارگاه فضای میانی در مجتمع های مسکونی تهران به منظور ارتقاء میزان دلبستگی ساکنان». علوم و تکنولوژی محیط زیست، پیاپی ۱۱، ۳۷-۵۰.
۶. رایاپورت، آموس (۱۳۹۴)، «معنی محیط ساخته شده»، (فرح حبیب، مترجم)، تهران: ناصح.
۷. زینالی عظیم، علی و کریمی، اسلام، (۱۴۰۲)، «ارزیابی یکپارچه دلبستگی و تعلق ساکنان شهر از مولفه های عملکردی زیست پذیری شهری و روابط اجتماعی همسایگان (مطالعه موردی: منطقه ۸ تبریز)»، پژوهش های دانش زمین، سال چهاردهم، شماره ۵۵.
۸. شاطریان، محسن، کریمی، راضیه، (۱۴۰۱)، «مدلسازی عوامل کالبدی و اثر آن بر میزان تعاملات اجتماعی (مورد مطالعه: بافت قدیمی شهر کاشان)». برنامه ریزی توسعه کالبدی، ۹(۳).
۹. غفوریان، میترا، افشین مهر، وحید، نوروزی زاده، زهرا (۱۳۹۶)، «بازشناسی مؤلفه های پایداری اجتماعی مؤثر بر افزایش تعاملات اجتماعی در مجموعه های مسکونی (مطالعه موردی: محله اباذر، تهران)». هویت شهر.
۱۰. قره خانی، کمال، دژدار، امید، جلالیان، سارا. (۱۳۹۸). «بررسی نقش فضاهای تعاملات اجتماعی بر کیفیت زندگی در مجتمع های مسکونی (مطالعه موردی: مجتمع های مسکونی سعیدیه، کاشانی، بوعلی و امام رضا در شهر همدان)». هویت شهر، ۱۳(۴)، ۱۰۹-۱۲۰.
۱۱. گیدنز، آنتونی (۱۳۷۸)، «سیاست: جامعه شناسی و نظیه اجتماعی» (منوچهر صبوری، مترجم)، تهران: نی.
۱۲. لنگ، جان (۱۳۸۳)، «آفرینش نظریه معماری: نقش علوم رفتاری در طراحی محیط» (علیرضا عینی فر، مترجم)، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۱۳. لوفور، هانری (۱۳۹۱)، «درآمدی بر تولید و فضا»، ترجمه آیدین ترکمه. تهران: انتشارات تپسا، چاپ دوم.
۱۴. محمودی، سیدامیرسعید و منصورپور، مجید (۱۳۹۶)، «بررسی جایگاه عوامل کالبدی در تعاملات اجتماعی»، فصلنامه هویت شهر، ۱۱ (۳۰).
۱۵. مرصوسی، نفیسه، فرهودی، رحمت اله، لاجوردی، سید علیرضا (۱۳۹۴)، «کیفیت زندگی فرهنگی و اجتماعی در شهرهای ایران»، فصلنامه پژوهش های بوم شناسی شهری.

۱۶. مطلبی، قایم، زرغامی، اسماعیل، سعادت‌ی وقار، پوریا (۱۳۹۷)، «نقش خوانایی فضای باز بر ایجاد تعاملات اجتماعی در مجموعه های مسکونی نمونه موردی: مجموعه مسنونی سعیدیه همدان»، نشریه معماری و شهرسازی ایران.
۱۷. مهرابیان، ساهره، عبداللهی، فرزین (۱۳۹۸)، راهکارهای افزایش تعاملات اجتماعی در مجتمع های مسکونی (مطالعه موردی: مجتمع مسکونی اکباتان، بهجت آباد و فرهنگیان تهران). معماری شناسی.
۱۸. هال، ادوارد (۱۳۹۲)، بعد پنهن، ترجمه منوچهر طیبیان. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۱۹. یزدانی، سمیرا، و تیموری، سیاوش (۱۳۹۲)، تأثیر فضاهای باز مجتمع های مسکونی بر افزایش تعاملات اجتماعی ساکنین. هویت شهر.